

نقش و جایگاه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی جدید در نظم پیش‌روی جهانی (مطالعه موردی سازمان‌های شانگهای و بریکس)

قدیر نظامی‌پور^۱، رحمان نجفی سیار^۲، حمیدرضا حاج‌حیدری^۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۲۹

چکیده

نظم پیش‌روی جهانی با تحولات متکثری مانند ظهور قدرت‌های جدید و وقوع مسائل مختلف امنیتی، اقتصادی، زیست‌محیطی و ژئوپلیتیکی مواجه است. انتقادات بر عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در ایفای نقش تأثیرگذار در حل مسائل بین‌المللی در حوزه‌های مختلف و مواجه به‌هنگام با مسائل نوظهور زیاد شده است. در این پژوهش نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی جدید (مطالعه موردی سازمان شانگهای و بریکس) و اصلی از منظر نهادگرایی در نظم پیش‌روی جهانی بررسی و شناسایی شده است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، بررسی اسناد مرتبط و مستندات مربوط به موضع‌گیری این سازمان‌ها در ارتباط با مسائل مختلف از طریق نرم‌افزار MAXQDA انجام شده است. در تحلیل نتایج ابتدا مهم‌ترین ویژگی‌های نظم پیش‌روی جهانی توصیف گردید. بر اساس نتایج پژوهش سازمان‌های بین‌المللی اصلی به بازتعریف روش و روندها و رژیم‌های بین‌المللی و تغییر رویکرد و ساختار نهادهای اثرگذار در مواجهه با مسائل جهانی نیاز دارند. همچنین سازمان‌های جدید منطقه‌ای نقش‌های اثرگذاری در تقابل با کنشگران نظم بین‌الملل برعهده خواهند داشت.

واژگان کلیدی: سازمان‌های بین‌المللی، نظم جهانی، نهادگرایی نولیبرال، منطقه‌گرایی، قدرت نهادی.

۱. دانشیار دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. رایانامه: dr.ghn38@yahoo.com

۲. استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. رایانامه: political19@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: hamidreza67300@gmail.com



۱. مقدمه

امنیت دسته‌جمعی، مهم‌ترین کلیدواژه برای گرایش دولت‌ها به ایجاد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است. دو عهدنامه وستفالی و سایش-پیکو مهم‌ترین عهدنامه‌های بعد از رنسانس هستند که پس از دو جنگ مهیب و خانمان‌سوز بین کشورهای برنده منعقد شدند. مهم‌ترین مسئله در این عهدنامه‌ها و توافقات جانبی آن تقسیم سرزمین‌ها و به رسمیت شناختن حقوق دولت‌ها برای ایجاد امنیت و حفظ منافع ملی است. عهدنامه وستفالی در اروپا و پیمان سایش-پیکو در غرب آسیا منشأ دولت‌های کنونی در سرزمین‌های مشخص بوده‌اند. درواقع پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی ژئوپلیتیک جهان فعلی تکمیل شد. پس از این دو پیمان بین‌المللی، کشورها یا قدرتمند بودند و یا وابسته و مستعمره. ضامن برقراری صلح و امنیت نیز در جهان پیمان‌های دو و چندجانبه بین قدرت‌ها بود.

پیمان وستفالی، اولین نشانه تشکیل جامعه جهانی در تاریخ معاصر است. در این پیمان که الگو اولیه رژیم‌سازی در جهان محسوب می‌گردد، حقوق کشورها و دولت‌ها به‌عنوان واحدهای سیاسی مستقل در اروپا به رسمیت شناخته شد. پیمان‌های امنیتی و تعهد قدرت‌ها در بلندمدت نشان داد که نیاز به یک نهاد هماهنگ‌کننده به‌عنوان رگولاتوری جهانی وجود دارد. پیمان‌ها و عهدنامه‌ها ظرفیت تثبیت حرکت جهان بر آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی که مهم‌ترین ضامن امنیت است را ندارند. جهان در حال هم‌زیستی قرن نوزدهم و بیستم در عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ علاوه بر گفتمان مشترک به الگوها و رژیم‌های معتبر و نهاد واسط بین کشورها نیاز دارد.

به‌عبارت دیگر، اگر مبنای تشکیل جامعه جهانی در انگاره غالب لیبرال دموکراسی همکاری و هماهنگی کشورها بر پایه صلح و احترام به استقلال کشورها باشد، برای تحقق این مهم بایستی روابط بین‌الملل از طریق رژیم‌های حقوقی و نهادهای واسط بین‌المللی تنظیم گردد. برای تنظیم رژیم‌های بین‌المللی باید نهادسازی شکل گیرد که با اختیار

تفویض شده از اراده کشورها بر اساس اصول مبنایی انسانی بتواند ضمن ایجاد رژیم‌های بین‌المللی بر تحقق قواعد آن نظارت داشته باشد.

روند قابل تأمل اجماع جهانی برای تحقق امنیت از طریق ایجاد انگاره‌های مشترک، نهادسازی و تعیین رژیم‌های حقوقی در نهایت در پی امنیت دسته‌جمعی برای جامعه جهانی است؛ مهم‌ترین تحقق این مهم از طریق رژیم‌سازی و نهادهای مختلف برعهده سازمان‌های بین‌المللی خواهد بود.

پس از جنگ جهانی دوم مهم‌ترین عامل نظم بین‌المللی موقعیت دو قدرت برتر نسبت به یکدیگر و سایر کشورها بوده است. به بیان دیگر، پس از این جنگ اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا مهم‌ترین نقش را در ایجاد نظم بین‌المللی ایفا کرده‌اند. بلوک شرق به رهبری شوروی جهان‌بینی «کارل مارکس» و «فریدریش انگلس» که در مکتب اجتماعی و اقتصادی کمونیست متجلی بود، را به‌عنوان انگاره خود برای اجماع‌سازی در بلوک شرق برگزیدند. از سوی دیگر بلوک غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا و کشورهای غرب اروپا و ژاپن لیبرال دموکراسی را به‌عنوان انگاره خود انتخاب کردند.

با وجود اینکه منشور سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی دوم به تصویب قریب به پنجاه کشور مستقل جهان رسید و پیرو آن سازمان ملل متحد و شورای امنیت تشکیل شدند اما مهم‌ترین عامل نظم‌دهنده جهان پس از جنگ جهانی دوم و در دوران موسوم به «جنگ سرد» موضع دو ابرقدرت نسبت به یکدیگر و نسبت به نقاط دیگر جهان بوده است. نقش این سازمان‌ها در این دوران، رژیم‌سازی جهت کنترل اوضاع بوده است. در این دوران نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، یونسکو، سازمان تجارت جهانی و دیگر سازمان‌های تخصصی برای ایفای نقش کارکردی سازمان‌های بین‌المللی ایجاد شدند. اما مهم‌ترین مسئله جهان یعنی امنیت توسط این سازمان‌ها محقق نشد بلکه این نقش حاصل برآیند تقابل دو ابرقدرت در سطح جهان بود. در این دوران دو قدرت برتر با ایجاد مسابقه تسلیحاتی و آزمایش سلاح‌های اتمی و با راه انداختن مناقشات منطقه‌ای اقدام به دیکته صلح مورد انتظار خود به طرف مقابل کردند. در

این دوران صلح در بلوک شرق از طریق پیمان «ورشو» و در بلوک غرب از طریق «ناتو» (پیمان امنیتی آتلانتیک شمالی) ایجاد شد نه از طریق مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد.

پس از دوران جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای آسیای مرکزی و منطقه اوراسیا و قفقاز و کشورهای شرق اروپا شکل گرفتند؛ در ادامه با جنگ بالکان مجدد چهره شرق اروپا دچار دگرگونی شد. اما در این دوران سازمان‌های بین‌المللی نقش تازه‌ای برعهده گرفتند و آن ایفای نقش جدی‌تر در حل مسائل بین‌المللی بود. نقطه عطف و تحلیل دو واقعه بزرگ در سطح بین‌الملل یعنی جنگ بالکان در اروپا و جنگ مقابله با تروریسم در منطقه غرب آسیا است؛ البته جهان دچار مسائل تاریخی‌تری نسبت به این دو حادثه می‌باشد مانند مسئله فلسطین اما این دو حادثه ابعاد بین‌المللی گسترده‌ای در سطح جهان داشته است. هر دو حادثه با ابعاد فجیع انسانی همراه بود اما نقش سازمان‌های بین‌المللی در این وقایع بیشتر توصیه‌ای بود تا ایجابی. در این دو حادثه رژیم‌های بین‌المللی نقض شدند و تمام کشورهای مستقل از وقایع رخ داده اعلام انزجار کردند. نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی اثرگذار در توقف و یا جلوگیری از گسترش این وقایع نبود بلکه در این دو واقعه نیز اراده قدرت‌ها تعیین‌کننده بوده است.

بنابراین در عصر جدید بین‌المللی که وجود نشانه‌های روند روبه‌افول قدرت برتر جهان در عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگی-اجتماعی در بین محافل علمی مورد بحث جدی است، جهان فضای متفاوتی را تجربه خواهد کرد. اینجا نکته اصلی روند تغییرات جهانی است؛ تغییر در اینجا یک مقطع مشخص نیست بلکه یک دورانی است که هرگز تمام نخواهد شد و در هر زمان بایستی ویژگی‌های آن درک شود و از بازیگران مختلف انتظارات، نقش‌ها و جایگاه‌های مختلف را برآورد نمود.

در نظم کنونی و پیش‌رو جهانی یکی از مسائل اصلی تعیین میزان اثرگذاری سازمان‌ها در حل مسائل جدید و تقویت همگرایی است. مهم‌ترین ویژگی‌های نظم کنونی و پیش‌رو عبارت‌اند از:

- ❖ ظهور قدرت‌های جدید (مانند کشورهای هند، چین، برزیل، آفریقای جنوبی)؛
 - ❖ مسائل فناورانه نوظهور و بعضاً شالوده‌شکن مانند مباحث جدید در عرصه هوش مصنوعی و سایبری، مسائل زیست‌محیطی؛
 - ❖ مهم‌تر از همه یک‌جانبه‌گرایی قدرت‌ها در حوزه امنیت و منطقه‌گرایی.
- قدرت‌های نوظهور علاوه بر اینکه تعهد خود را به مبانی لیبرال دموکراسی اعلام می‌دارند اما در عرصه نظم بین‌الملل پارادایم و اهداف متفاوتی را پیگیری می‌کنند. برخی از این کشورها با حفظ اتحاد با جهان غرب مسیر خود را در حوزه نظم بین‌الملل تغییر داده‌اند و به‌طور مشخص در عرصه اقتصادی و سیاست خارجی در رویکرد و اقدام در مقابل جهان غرب قرار گرفته‌اند. این کشورها با طرح‌ریزی سازمان‌های جدید موضوعی، منطقه‌ای و بین‌المللی البته در ذیل منشور سازمان ملل متحد اهداف منطقه‌ای و موضوعی خود را پیگیری می‌کنند. الزاماً تحقق برخی از اهداف این سازمان‌ها از جمله شانگهای و بریکس^۱ با منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا در تضاد است.
- در موضوع سازمان‌های جدید منطقه‌ای مسئله همراهی این سازمان‌ها با رژیم‌های بین‌المللی در اهداف، رویکرد و اقدامات بسیار مهم است. بررسی این موضوع وضعیت کلانی از موقعیت سازمان‌های اصلی بین‌المللی در نظام پیش‌روی جهانی مطرح خواهد کرد. تشکیل سازمان‌های جدید بر اساس رویکردها و مبانی جدید نظام‌سازی جهانی احتمال رویارویی و تقابل فی‌مابین سازمان‌های مختلف را گسترش می‌دهد اما اگر این سازمان‌ها در ذیل رویکردهای فعلی و با هدف صرفاً حل مسائل منطقه‌ای و یا پرداختن جمعی به موضوع مشخص تشکیل شده‌اند، تقابل مطرح نخواهد بود بلکه تقسیم وظیفه بین سازمان‌های جدید و سنتی در تحقق همگرایی جهانی مطرح خواهد شد.
- در ۲۶ آوریل ۱۹۹۶م. کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان با تشکیل مجمع شانگهای پنج در یک گروه‌بندی آزاد برای حل و فصل اختلاف‌های مرزی آغاز به کار کردند (رودن^۲، ۲۰۱۸). با ادامه همکاری‌ها در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱م. این کشورها

1. BRICS

2. Rowden

تصمیم گرفتند که مجمع شانگهای پنج را به سطح یک سازمان بین‌المللی ارتقا دهند و در سال ۲۰۰۲م. با امضای منشور سازمان همکاری شانگهای، به‌طور رسمی موجودیت حقوقی آن را اعلام کردند. امروز این سازمان به بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین سازمان همکاری منطقه‌ای در جهان تبدیل شده است که با بیش از سه میلیارد نفر، سه‌پنجم جمعیت قاره اوراسیا را پوشش می‌دهد (مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی^۱، ۲۰۱۸).

سازمان همکاری شانگهای با رویکردی باز در ۹ ژوئن ۲۰۱۷م. با پذیرش هند و پاکستان به‌عنوان عضو دائم و دارای حق رأی، گام بزرگی روبه‌جلو برداشت. با امضای منشور سازمان در سال ۲۰۰۲م. که در آن اهداف، اصول، ساختار و نحوه اقدامات و همکاری‌ها و گرایش‌ها در حوزه روابط خارجی سازمان همکاری شانگهای تشریح شده بود، این سازمان از لحاظ حقوق بین‌الملل در زمره سازمان‌های رسمی و شناخته‌شده بین‌المللی قرار گرفت (حکیم، ۱۴۰۱).

نظام تک‌قطبی، حضور آمریکا در منطقه و گسترش نفوذ آن هیچگاه مورد قبول چین و روسیه نبوده و این دو کشور همواره با آن مخالفت کرده‌اند. این سازمان فرصتی فراهم آورده تا کشورهای عضو آن به‌ویژه چین و روسیه در تحقق این هدف خود بکوشند؛ به همین دلیل شاهد تأکید بر مواردی چون جهان چندقطبی و دموکراتیک‌سازی روابط بین‌الملل از طریق این سازمان و اعضای آن هستیم. چنین مواردی باعث‌شده این سازمان در ذهن بسیاری از تحلیلگران به‌عنوان سازمانی ضد آمریکایی شناخته شود (الیف^۲، ۲۰۱۸: ۱۵).

با اینکه تمامی اعضای این سازمان روابط متقابلی با ایالات متحده دارند ولی همه‌ی آنها با حضور و نفوذ آمریکا در منطقه مخالف هستند. بیان چنین مواردی را در صحبت‌های سران کشورها و اهداف اعلامی این سازمان می‌توان مشاهده کرد؛ درواقع یکی از اصلی‌ترین اهداف و دلایل ایجاد سازمان همکاری شانگهای همین بوده است. پس از تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل، محدودیت قانونی برای عضویت ج.ا.ایران در این

سازمان (به دلیل تحریم‌های فصل هفتم سازمان ملل) برداشته شد. در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱م. با سفر «سید ابراهیم رئیسی» رئیس‌جمهور شهید ج.ا.ایران به دوشنبه پایتخت تاجیکستان و شرکت در اجلاس سران، این سازمان با عضویت ایران موافقت نمود که لایحه الحاق دولت ج.ا.ایران در این سازمان در تاریخ ۶ آذر ۱۴۰۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در کمتر از دو سال و هم‌زمان با برگزاری اجلاس مجازی سران کشورهای عضو این سازمان در ۴ ژوئیه ۲۰۲۳م. در هند عضویت رسمی ج.ا.ایران در این سازمان تصویب و اعلام شد.

برزیل، روسیه، هند و چین چهار کشوری هستند که قدرت‌های اقتصادی نوظهور قرن بیست‌ویکم تلقی می‌شوند. این چهار کشور در سال ۲۰۰۹م. پیمانی را بنیان نهادند که بریک^۱ (یعنی برزیل، روسیه، هند و چین) نام گرفت. پس از آنکه در دسامبر ۲۰۱۱م. آفریقای جنوبی هم وارد این ائتلاف شد، نام این اتحادیه به بریکس تغییر یافت.

نخستین امتیاز بریکس در زمینه مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی، عضویت کشورهای چین و روسیه، دو عضو اصلی این پیمان به‌عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل است. از طرفی چهار کشور (هند، روسیه، چین و آفریقای جنوبی) از پنج کشور عضو پیمان بریکس به سلاح هسته‌ای دست یافته‌اند (سنایی، ۱۳۹۲). «سیریل رامافوسا» رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی در آغاز نشست «بریکس پلاس» مصادف با ۲۴ آگوست ۲۰۲۳م. در کنفرانس خبری مشترک سران بریکس موافقت پنج عضو اصلی این گروه با عضویت اصلی ج.ا.ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر، اتیوپی و آرژانتین را اعلام کرد.

در ادامه این اجلاس رئیس‌جمهور برزیل، نخست‌وزیر هند، رئیس‌جمهور چین و روسیه که به شکل ویدئوکنفرانس در این نشست حضور داشتند نیز در سخنانی با تأکید بر این موضوع، ورود اعضای جدید به بریکس را باعث رونق بیشتر این گروه و توان اثرگذاری بیشتر آن در نظم جهانی دانستند (پایگاه اطلاع‌رسانی دولت ج.ا.ایران، ۱۴۰۲). عضویت ایران، عربستان، امارات، مصر، اتیوپی و آرژانتین از ابتدای ژانویه ۲۰۲۴م. به‌طور رسمی آغاز گردید.

این دو سازمان نماد تلاش قدرت‌های نوظهور در ایجاد فصل جدیدی در عرصه نظم بین‌الملل هستند. سیاست خارجی اقتصادهای نوظهور به‌ویژه چین، روسیه و هند در حال حرکت به‌سوی تجدید نظام بین‌المللی از طریق ایجاد نهادهای موازی با ساختارهای تحت هدایت و حمایت آمریکا است.

مسئله اصلی این پژوهش، تعیین نقش و جایگاه سازمان و نهادهای بین‌المللی در نظم پیش‌رو جهانی با تمرکز بر دو سازمان شانگهای و بریکس است. سؤالات اصلی و فرعی پژوهش به ترتیب عبارت‌اند از:

- ❖ روند فعلی نقش‌آفرینی سازمان‌های بین‌المللی در مواجهه با مسائل مهم جهانی مانند صلح و امنیت پایدار در نظم پیش‌روی جهانی ادامه پیدا خواهد کرد؟
- ❖ نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی جدید در نظم پیش‌روی جهانی چیست؟
- ❖ نسبت بین سازمان‌های اصلی بین‌المللی و سازمان‌های جدید منطقه‌ای و موضوعی که توسط قدرت‌های نوظهور در حال ایجاد و تقویت هستند، چیست؟
- ❖ با در نظر گرفتن ورود به نظم بین‌الملل در راستای ایجاد نظام جدید جهانی، سازمان‌های بین‌المللی جدید چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟

هدف اصلی مقاله حاضر بررسی ارتباط بین ویژگی‌های نظم بین‌الملل با نقش و جایگاه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است. از این‌رو ابتدا ویژگی نظم پیش‌روی جهانی بررسی شده و با تعیین نقش‌های کارکردی و عملکردی سازمان‌های بین‌المللی و تأثیر آن به‌عنوان یک کنشگر عرصه نظم بین‌الملل ارتباط این دو مقوله با یکدیگر تجزیه و تحلیل خواهد شد؛ لذا تغییر و تحول در سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان یکی از نتایج شرایط حاکم در نظام پیش‌روی جهانی بررسی شده است. نوع تغییرات احتمالی در تغییر رویه سازمان‌های بین‌المللی اصلی و سازمان‌ها و نهادهای جدید بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

تبیین جایگاه و نقش سازمان‌های بین‌المللی در نظام پیش‌روی جهانی از طریق تعریف دقیق از نظام پیش‌روی بین‌الملل و تعیین مؤلفه‌های اصلی این نظام و ارتباط آن با نقش‌ها و کارکردهای سازمان‌های بین‌الملل جهت تعیین جایگاه یک بازیگر مهم و نحوه مواجهه با آن

بسیار مهم و حیاتی است. در این زمینه لازم است وجه کارکردی سازمان‌های بین‌المللی در حل مسائل و بروز اقتضائات جدید کارکردی در سطح بین‌الملل بررسی شود و نقش‌ها و کارکردهای موردانتظار سازمان‌های بین‌المللی در نظم پیش‌روی جهانی تعیین گردد.

شاید اثرگذارترین تشبیه برای نقش سازمان‌های بین‌المللی در عرصه کنونی مثال «محبوبانی»^۱ در ارتباط با زندگی انسان‌ها در کابین‌های مجزا در یک کشتی باشد؛ «امروز شرایط جهان تغییر کرده است. میلیاردها انسانی که بر کره زمین سکونت دارند، دیگر در صد قایق جداگانه زندگی نمی‌کنند؛ آنها در بیش از صدونود کابین مجزا از یک قایق بزرگ زندگی می‌کنند. این قایق یک مشکل دارد؛ این قایق بیش از صدونود کاپیتان دارد که هرکدام مسئولیت انحصاری برای کابین خود را متوجه خود می‌دانند؛ و هیچ‌کدام از کاپیتان‌ها اهمیتی برای خود قایق به‌عنوان یک کل قائل نمی‌شود». وی معتقد است که ما نمی‌توانیم یک رهبر را برای دولت جهانی بپذیریم ولی می‌توانیم نهادهای دولت جهانی را به‌خصوص بدنه نهادهای چندجانبه را زیر چتر سازمان ملل تقویت کنیم.

به‌طور کلی موضوع نقش سازمان‌های بین‌المللی، یکی از مسائل پر بحث و چالش‌برانگیز از منظر تئوری‌های مختلف حوزه روابط بین‌الملل است. واقع‌گراها به نسبت ایدئالیست‌ها به نهادها و رژیم‌های حقوقی با دید شک و تردید بیشتری نگاه می‌کنند. ایدئالیست‌ها و نهادگراها تحقق جامعه جهانی و اجتماع دولت‌ها در همگرایی برای حل مسائل بین‌المللی را از طریق تمرکز بر نگاه سیستمی به نظام بین‌المللی و در نظر گرفتن جایگاه ویژه برای سازمان‌های بین‌المللی قابل تحقق دانسته‌اند. فارغ از تئوری‌های تحلیلی در حوزه روابط بین‌الملل، این سازمان‌ها یک واقعیت مهم و یک بازیگر اثرگذار در عرصه روابط بین‌الملل بوده و در بسیاری از مسائل جهانی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. بررسی ظرفیت نقش‌آفرینی این سازمان‌ها در شرایط جدید بین‌المللی درک تحلیلی مناسبی به محققان و اندیشمندان عرصه روابط بین‌الملل خواهد داد تا از طریق این اکتساب یک تحلیل مناسب از تمام بازیگران و کنشگران بین‌المللی منافع ملی در آینده و در نظم پیش‌روی جهانی محقق نمایند. احتمال آسیب‌پذیری ج.ا.ایران از عدم آگاهی به نقش‌آفرینی

رژیم‌های حقوقی و سازمان‌های بین‌المللی محل درنگ و تأمل است و مبین این واقعیت است که جامعه علمی کشور بایستی در حوزه نقش‌آفرینی سازمان‌های بین‌المللی در حل مسائل ملی و منطقه‌ای بیشتر کوشا باشند.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

«سجادپور» در مقاله‌ای تحت عنوان «قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی؛ ماهیت تحول دوران پسا جنگ سرد» (۱۳۹۲) با این سؤال که رابطه بین قدرت‌های بزرگ چه تأثیری بر سازمان‌های بین‌الملل در دوران پسا جنگ سرد داشته است؟ چارچوبی مفهومی برای درک تحول در سازمان‌های بین‌المللی ارائه کرده است. دوره مورد بررسی این مقاله هم‌زمان با تغییر نظم جهانی از دوقطبی به تک‌قطبی بوده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که سازمان‌های بین‌المللی محصول کنش و واکنش سیاست و حقوق بین‌الملل و اجماع بین‌الملل بوده و با توجه به تحولی که در ماهیت رابطه بین قدرت‌های بزرگ در دوران پسا جنگ سرد رخ داده، سازمان‌های بین‌المللی در مقایسه با دوران پیشین سیاست بین‌الملل، تحولی افقی و عمودی یافته و جایگاه مهم‌تری در کنش و واکنش روابط بین‌الملل به‌دست آورده‌اند (سجادپور، ۱۳۹۲). این مقاله از منظر موضوع به پژوهش حاضر بسیار نزدیک است اما از منظر مقطع تاریخی مورد بررسی متفاوت است. از زمان جنگ سرد سه دهه تاریخی می‌گذرد اما یک دهه اخیر یکی از پرچالش‌ترین دهه‌های سازمان‌های بین‌المللی در نقش‌آفرینی بوده است؛ ضمن اینکه در این دوران قدرت‌های بین‌المللی جدید نقش‌آفرینی جدی‌تری در مسائل بین‌المللی ایفا نموده‌اند.

«مکدونالد»^۱ برای درک مبانی هنجاری مشروعیت در سیاست جهانی معاصر پژوهشی انجام داده است (۲۰۲۰). وی در نتیجه این پژوهش یک نظم جهان «کثرت‌گرا» را پیشنهاد می‌کند. نویسنده در این مقاله استدلال می‌کند که مشروعیت هنجاری در نظم پیش‌رو جهانی می‌تواند در توانمندسازی کارکردی سیاسی نهادهای بین‌المللی و افزایش اهمیت کارکرد حیثیتی و اخلاقی این

1. Terry Macdonald

نهادهای ایجاد شود و از این طریق به کثرت‌گرایی باز در نظم پیش‌رو جهانی منتهی گردد. در نگرش کثرت‌گرایی با ایجاد بستر دستورکارهای نهادی برای ابراز و اعمال نظر جوامع متعدد و متمایز سیاسی و رویکردی در جهان معاصر، مسیریابی برای تقویت مشروعیت نهادهای حکومتی بین‌المللی ایجاد خواهد شد. در واقع نویسنده این مقاله ایجاد فضای کثرت‌گرایی و پذیرش تفاوت‌های جوامع مختلف در نظم پیش‌رو را عامل ایجاد مشروعیت مجدد برای نهادها و سازمان‌های بین‌المللی می‌داند (مک‌دونالد، ۲۰۲۰).

«اونیز» و «کاتلای» در مقاله‌ای مشترک که در مجله دانشگاه لندن چاپ شده (۲۰۲۰)، اجماع قدرت‌های جدید در سازمان‌های بین‌المللی مانند بریکس را مواجهه این کشورها با نظام اقتصادی لیبرال تحت سلطه غرب می‌داند که در سه دهه اخیر سلطه غالب بر نظام بین‌الملل داشته است. در این مقاله یک چارچوب تحلیلی برای درک الگوهای جدید حکمرانی جهانی در نظم بین‌المللی پست لیبرال ارائه شده است. نگارندگان این نظم نوظهور را عصر جدیدی از تغییر روندهای گذشته توصیف می‌کنند که بر هم‌زیستی هنجارها، ارزش‌ها و نهادهای مختلف دلالت دارد. این مقاله به بررسی جنبه‌های خوش‌خیم این عصر دورگرایی می‌پردازد، که احتمالاً در این مرحله جدید جهانی‌شدن، حکومت جهانی را دموکراتیک می‌کند. براساس نتایج این پژوهش چالش‌های حاکمیت جهانی در عصر حاضر ترکیبی، نیازمند رویکرد جدیدی است که تنوع هنجارها و ارزش‌ها را به رسمیت می‌شناسد و یک سیستم حاکمیت جهانی فراگیر و مشارکتی را ترویج می‌دهد.

«کریستین اندرسون» در مقاله‌ای که در مجله دانشگاه بالتر آمریکا منتشر کرده (۲۰۱۷) نظریه حکمرانی جهانی را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده در این مقاله میزان استفاده اروپا از چارچوب حکمرانی جهانی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این مقاله به نظریه حکمرانی جهانی به‌عنوان چارچوبی ارزشمند اشاره دارد که لزوم بازگشت به این نظریه را به‌ویژه برای گذر از بلا تکلیفی و بی‌ثباتی در سیاست جهانی پیشنهاد می‌کند. با این حال، واقعیت اجرای این نظریه نقایص قابل توجهی را در معرض دید قرار داده است. بر اساس این پژوهش سازمان‌های بین‌الملل به دو دسته دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شوند و می‌توانند در مسائل تجاری، حقوق بشر و امنیتی در سطح جهان نقش کارکردی مناسبی ایفا کنند. این سازمان‌ها یکی از مظاهر حکمرانی جهانی

معرفی شده‌اند؛ در نتیجه‌گیری این پژوهش بر بازگشت به این نظریه و توجه به ویژگی‌های آن تأکید شده است.

«لنز» در مقاله‌ای که در زمینه افزایش قدرت و تأثیرگذاری سازمان‌های بین‌المللی در مجله مطالعات جهانی و منطقه‌ای آلمان منتشر کرده (۲۰۱۷) سه عامل انتشار، مشارکت سیاسی و افزایش کارکردها را باعث افزایش قدرت این سازمان‌ها معرفی کرده است. سازمان‌های بین‌المللی با اختیار گسترده برای تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات از وضعیت قدرت و اثربخشی بیشتری برخوردار هستند. درواقع، سازمان‌های مستقل‌تر در دستیابی به اهداف خود اعم از کاهش درگیری‌های مسلحانه، ترویج یکپارچگی اقتصادی، نظارت بر ملاحظات حقوق بشری در سطح جهان موفق‌تر عمل می‌نمایند (لنز،^۱ ۲۰۱۷).

«کریمی» و همکاران، مقاله‌ای مشترک تحت عنوان «نهادسازی موازی گامی در جهت گذار صلح‌آمیز نظم بین‌الملل» (۱۳۹۸) در فصلنامه مطالعات اقتصادی سیاسی بین‌الملل، چاپ کرده‌اند. نویسندگان در این مقاله ظهور چین و سایر قدرت‌های نوظهور در عرصه روابط بین‌الملل و ضعف ایالات متحده در حل مسائل ویژه پس از بحران‌های مالی و پولی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ م. مبنایی برای نهادسازی موازی قدرت‌های جدید در برابر نهادهای سنتی متمایل به سلطه جهانی لیبرال دموکراسی غربی معرفی کرده‌اند. در این مقاله تمرکز مطالعه بر بررسی نهادسازی موازی چین برای شکل‌دهی به یک زنجیره ارزش اقتصادی غیرآمریکایی در بلندمدت به تغییر جهت‌گیری سیاسی دولت‌های مشارکت‌کننده خواهد انجامید و گذار مسالمت‌آمیز را رقم خواهد زد؛ نهایتاً چین بدون درگیر شدن در یک جنگ سخت بزرگ، به یک قدرت بزرگ چندبعدی تثبیت‌شده تبدیل خواهد شد. در این راستا مصداق‌هایی مانند بانک آسیایی سرمایه‌گذاری زیرساخت، بانک توسعه جدید بریکس، ابتکار یک جاده و یک کمربند و طرح مشارکت اقتصادی جامعه منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است.

در تحقیقات انجام‌شده تمرکز نویسندگان از منظر موضوع بررسی به جنبه‌های خاصی از کارکردهای سازمان‌های بین‌المللی است. علاوه بر این پژوهش‌های صورت گرفته ابعاد مختلف

نظم پیش‌رو جهانی را به‌عنوان یک رویداد قابل تحقق در ارتباط با نقش سازمان‌های بین‌المللی به صراحت و مستقیم بررسی نکرده‌اند. نوآوری تحقیق حاضر برقراری ارتباط بین ویژگی‌های نظم پیش‌روی جهانی که به شناخت شرایط و مسائل نظام بین‌الملل نیاز دارد و ارتباط این وضعیت در حال وقوع با نقش‌آفرینی سازمان‌های بین‌المللی است. جهت دستیابی به این هدف بایستی سازمان‌های اصلی شامل سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به این سازمان مورد بررسی قرار بگیرند و از سوی دیگر به بررسی سازمان‌های جدید منطقه‌ای و موضوعی که در دو دهه اخیر در حال ظهور و نقش‌آفرینی جدید در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی هستند، پرداخته شود.

۲-۲. مبانی نظری

نگرش سیستمی بین‌الملل مبنای تحلیل مناسب برای تعیین نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در نظام جهانی است؛ در این نگرش کنشگران مختلف در محیط به‌هم مرتبط و دارای اثر متقابل که چارچوب مشخص از رژیم‌های هنجاری و حقوقی دارد، نظام بین‌الملل را شکل خواهند داد. نگرش سیستمی در وهله نخست، روابط بین‌الملل و تمامی پدیده‌ها و موضوعات مطرح در آن را به‌عنوان یک سیستم در نظر می‌گیرد که می‌توان آن را سیستم بین‌الملل نامید. این سیستم از دو بخش تشکیل شده است:

❖ بخش نخست مربوط به طرح داخلی سیستم خواهد بود. ساختار سیستم، اصول و منطق حاکم بر سیستم و فرایندهای آن، شکل‌دهنده به چنین طرحی هستند.

❖ بخش دوم به اجزاء درونی سیستم مربوط می‌گردد و آن هم در قالب سیستم‌های فرعی و یا سیستم‌های تابعه‌ای هستند که سیستم بین‌الملل را به‌عنوان یک کل تشکیل می‌دهد؛ که در روابط بین‌الملل اصطلاحاً مناطق نامیده می‌شوند.

سرانجام بین اجزاء درونی سیستم، چه سیستم‌های فرعی و چه واحدهای شکل‌دهنده آن، وابستگی متقابل وجود دارد که اصطلاحاً «زوجی بودن» سیستم نامیده می‌شود. بدین ترتیب اگر موضوع روابط بین‌الملل، نظم تصور شود، نگرش سیستمی، چارچوب کارکردی را به‌عنوان اولین جزء تحلیلی مفهوم نظم در قالب سیستم بیان می‌کند (قاسمی: ۴۱-۴۲).

بنابراین برای اینکه بتوانیم به بحث نقش‌آفرینی سازمان‌های بین‌المللی در نظم جهانی ورود کرده و تحلیل ارائه نماییم بایستی به نگرش سیستمی واقف و معتقد باشیم. اساساً مبنای فکری و

علمی نقش‌آفرینی برای نهادهای واسطه بین‌المللی اعتقاد به سیستمی بودن عرصه روابط بین‌الملل است. در این نگرش سازمان‌های بین‌المللی در مرحله «فرایند»^۱ نقش‌آفرینی کرده و باعث می‌شوند ورودی نظام بین‌المللی که همان مسائل و چالش‌های جهانی هستند، نهایتاً خروجی که به همگرایی جهانی منجر می‌گردد را داشته باشند.

فارغ از تقابل جدی دو پارادایم واقع‌گرایی و نولیبرالیسم در تحلیل وقایع مهم عرصه روابط بین‌الملل، در این مقاله مفروض اصلی تحلیل موضوع پژوهش بر ارجحیت پارادایم نهادگرایی خواهد بود؛ لذا از طریق این پارادایم نقش نهادهای بین‌المللی در نظام‌سازی جدید را بررسی خواهیم کرد.

نهادگرایان نولیبرال معتقدند تعاملات مستمر میان دولت‌ها، انگیزه‌های لازم را برای ایجاد سازمان‌های بین‌المللی فراهم می‌کند. این‌گونه سازمان‌ها رفتار دولت‌ها را تعدیل کرده و چارچوبی از تعاملات به وجود آورده و سازوکارهایی را از طریق نظارت بر دیگران برای کاهش فریبکاری و تنبیه عدم همکاری فراهم کرده و باعث تسهیل شفافیت رفتار دولت‌ها می‌شوند (قوام، ۱۳۹۲).

در دوران کنونی نظام بین‌الملل مسائلی همچون صلح و عدالت جای خود را به نیازهای اصلی زندگی داده‌اند. مسائلی همچون گرم شدن کره زمین، آلودگی آب و هوا، زباله‌های رها شده در زمین و دریا، جنبه‌های مهم همکاری بین کنشگران بین‌المللی هستند. در دهه‌های گذشته با وجود مطرح شدن این مسائل در جمع دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی اما کنش اجتماعی بین کنشگران اصلی در ارتباط با این مسائل شکل نگرفته است.

شاخص‌های مطرح برای تعیین نقش سازمان‌های بین‌المللی در نظام بین‌الملل از منظر پارادایم نهادگرایی نولیبرال عبارت‌اند از:

- ❖ ایجاد یک رژیم و چارچوب مشخص و مؤثر برای حل منازعات؛
- ❖ ارتقای همکاری بین کنشگران در ایجاد و یا تغییر نظم بین‌الملل؛
- ❖ ارجحیت دیپلماسی و مذاکره برای همگرایی؛
- ❖ حکمرانی مشترک در حل مسائل و مشکلات جهانی.

بر این اساس شاخص‌های تعریف‌شده فوق‌ملاک ارزیابی وضعیت سازمان‌های بین‌الملل در این مقاله هستند. مسئله تحقیق از چارچوب شاخص‌های ذکرشده در بین سازمان‌های بین‌المللی جدید و اصلی بررسی خواهد شد.

تحول در سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی با تأثیرپذیری از اقتصاد، قدرت نظامی، اشکال مختلف قدرت موضوعی و توسط سازمان‌های جدید و موازی دچار تحول و دگرگونی می‌گردند؛ لذا در نظم پیش‌روی جهانی با توجه به ویژگی‌های در حال ظهور در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی متصور می‌باشند.

روند تحولات اخیر بین‌المللی وقوع یک نظم جدید جهانی به لحاظ جایگاه قدرت‌های نوظهور و مسائل جدید بشری را محتمل می‌نماید. فارغ از چگونگی و ویژگی‌ها نظم پیش‌رو می‌بایست از طریق شواهد موجود ویژگی‌ها و تغییرات سازمان‌های بین‌المللی را برآورد کرد. سازمان‌های بین‌المللی از منظر رهیافت و پارادایم حاکم بر روابط بین‌الملل از وجه نقش راهبردی برعهده گرفته، از کنش‌های بین‌المللی متأثر هستند و از منظر مسائل و موضوعات جدید بشری مانند فناوری‌های نوظهور و جدید از وجه کارکردی تحت تأثیر و در حال تصحیح رویه‌های سابق و تعهد به نقش‌های جدید مورد انتظار جامعه جهانی می‌باشند.

اگرچه تغییر کلان و اساسی در نظریه و پارادایم حاکم در نظم بین‌الملل مشاهده نمی‌گردد اما تغییر در انتخاب پارادایم اصلی مشهود است؛ برای مثال اگرچه قدرت نظامی پس از جنگ جهانی دوم عامل اصلی موازنه در دهه‌های اخیر بوده اما در حال حاضر با بسط قدرت و ظهور انواع جدید از قدرت مانند قدرت اقتصادی، فناوری و فرهنگی-اخلاقی، نوع جدید قدرت امکان موازنه جدید و پرنفوذتری در عرصه بین‌الملل برای کشورهای مختلف ایجاد نموده است. ازاین‌رو یکی از دلایل مهم پرداختن به نقش سازمان‌های بین‌المللی در نظم پیش‌رو وجود تنوع قدرت در جهان است که مسیر کنش و اثرگذاری این نوع قدرت‌ها به لحاظ نهادی و رژیمی از طریق سیستم و آرمان‌های سازمان‌های بین‌المللی میسر خواهد شد.

تغییر در نظام بین‌الملل از مسئله‌ها و بحث‌های مستمر و پرگفتگو در حوزه و رشته روابط بین‌الملل بوده و خواهد بود. نکته اصلی آن است که آیا تغییر در حوزه روابط بین‌الملل از نظریه و

یک رویکرد جدید منبعث است یا حاصل تغییر رویه و کنش بین دولت‌ها است؛ این موضوع نیز از تغییر موازنه قدرت و ظهور بازیگران جدید حاصل می‌گردد.

پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نظام تک‌قطبی با محوریت ایالات متحده شکل گرفت. قدرت نظامی، اقتصادی و نرم آمریکا را در شرایط قدرت فائده در نظام بین‌الملل قرار داد به‌گونه‌ای که در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و جهانی به‌عنوان کنشگر اصلی ایفا نقش نموده و از اصول نظام بین‌الملل که بر مبنای نگرش لیبرال دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد شکل گرفته است، محافظت می‌نمود. لکن در دهه‌های اخیر حضور پررنگ سیاستمداران رادیکال ناسیونالیسم آمریکا را بر اولویت تصمیم‌گیری‌ها و حضور جهانی این کشور ترجیح داده است.

توجه به مناطق و توسعه منطقه‌ای از طریق ایجاد نهادها و استقرار طرح‌ها و ابتکارات در مناطق مختلف جهان یکی از ویژگی‌های نظام بین‌الملل کنونی است. منطقه‌گرایی و چگونگی مشروعیت و ارتباط آن با سازمان ملل متحد در منشور این سازمان لحاظ شده است. بسیاری از کشورهای منتقد وضع موجود در نظم بین‌الملل از سازمان‌های منطقه‌ای تفسیر ضد هژمونی مبتنی بر فلسفه رئالیستی ارائه می‌کنند؛ این در حالی است که سازمان‌های منطقه‌ای از سوی قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های اصیل بین‌المللی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. البته شواهدی در بستر تشکیل این سازمان‌ها بر حرکت به سمت منافع قدرت‌های نوظهور مشاهده می‌گردد اما در اسناد و سیاست‌های اعلامی این سازمان‌ها هم‌راستایی با حقوق اصلی بین‌الملل و ارتباط رسمی با سازمان ملل متحد بیان شده است.

یکی دیگر از موضوعات مهم در نظام پیش‌روی جهانی ظهور قدرت‌ها است. کنشگری این بازیگران در سطح بین‌الملل و مناطق و افزایش قدرت نظامی و اقتصادی آنها مبنای مباحث مربوط به تغییر در نظام جهانی شده است. البته ظهور این قدرت‌ها در سایه نگرش لیبرال دموکراسی غرب و اقتصاد بازار آزاد و تغییر نگرش جهان از استعمار به همکاری و کنشگری بین‌المللی بر اساس مزیت‌های رقابتی کشورها بوده است. چین، مهم‌ترین قدرت نوظهور در نظام کنونی است که مسیر توسعه در زمان جنگ سرد، حرکت توسعه و رشد اقتصادی این کشور آغاز گردید و با ایجاد ارتباط‌های قوی اقتصادی با غرب توانست به‌عنوان یک قدرت بزرگ در جهان ظهور یابد.

چین و نحوه کنشگری این کشور در مباحث امنیتی، اقتصادی، منطقه‌ای و بین‌المللی از بسترهای تحلیلی نظام پیش‌روی جهانی است.

سه نمونه اخیر از چالش‌های چین برای هژمونی ایالات متحده در جهان عبارت‌اند از:

- ❖ ایجاد بانک سرمایه‌گذاری زیربنایی آسیا (AIIB¹)؛
 - ❖ طرح پکن برای ساخت «چین ۲۰۲۵»؛
 - ❖ ابتکار یک کمربند، یک جاده (BRI²) یا ابتکار کمربند اقتصادی جاده ابریشم که جاده ابریشم دریایی قرن بیست‌ویکم نیز نامیده می‌شود.
- پروژه یک کمربند، یک جاده، پروژه ابداعی شی.جین‌پینگ است که اولین بار در سال ۲۰۱۳م. هنگامی که پینگ از آسیای مرکزی و جنوب شرقی بازدید می‌کرد، اعلام شد. این سازمان درصدد اتصال آسیا، آفریقا و اروپا برای ارتقای همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، ایجاد زیرساخت و صلح جهانی است (پورقربان، ۱۴۰۱). در امتداد مسیر این طرح ۶۵ کشور از آسیا مرکزی، آسیا، آسیای جنوبی، اروپای شرقی، آسیای شرقی و آفریقای شمالی و ۴.۴ میلیارد نفر با درآمد قابل عرضه ۲۱ تریلیون دلاری، به ترتیب ۶۳ درصد یک کمربند و ۲۹ درصد یک جاده از ظرفیت جهانی را داراست. بر اساس پیش‌بینی مؤسسه جهانی «مک کینزی»، کشورهای این طرح تا سال ۲۰۵۰م. به رشد ۸۰ درصدی در تولید ناخالص دست خواهند یافت (یوان، ۲۰۱۸).

چین طی سه دهه گذشته تحولات عمیقی را تجربه کرده است؛ دامنه این تحولات تقریباً غیرقابل‌تصور است. حجم اقتصاد آن طی سه دهه، در هر هشت سال دو برابر شده است به‌گونه‌ای که تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۱۹۷۸م. به ارزش ۳.۱۴۷ میلیارد دلار بوده است که در سال ۲۰۱۳م. این رقم به ۸.۲۸ تریلیون دلار و در سال ۲۰۱۸م. به ۱۳.۴۵ تریلیون دلار رسیده است. این کشور بزرگ‌ترین ذخایر پولی جهان را در اختیار دارد. بزرگ‌ترین تولیدکننده و دومین مصرف‌کننده بزرگ است. بالاترین میزان پس‌انداز را دارد و از حیث هزینه‌های نظامی دومین کشور بزرگ محسوب می‌شود. در چشم‌انداز ۲۰۵۰ پیش‌بینی می‌شود پیشرفت‌ها در تمام

ابعاد مادی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و زیست‌محیطی به اوج خود رسیده و چین از نظر قدرت ملی و نفوذ بین‌المللی به یک رهبر جهانی تبدیل شود.

قدرت چین در حوزه اقتصادی و مالی مورد پذیرش تمام صاحب‌نظران است. مهم‌ترین تصدیق‌کننده این موضوع از ناحیه قدرت بزرگ نظام بین‌الملل یعنی آمریکا اتفاق افتاده است. در زمینه نحوه مواجهه این کشور با سازمان‌های بین‌المللی می‌توان گفت بخشی از جنبه‌های ایفای نقش سازمان‌های بین‌المللی را نظام پیش‌روی جهانی مشخص می‌نماید. چین علاوه بر ارتباط مستقیم با کشورهای مختلف از طریق انعقاد اسناد راهبردی دو طرفه، اقدام به طرح ابتکارات جدید در همکاری‌های منطقه‌ای و موضوعی کرده است.

با این اوصاف چین به‌عنوان مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده نظم پیش‌روی جهانی بر نقش سازمان‌های بین‌المللی تأکید داشته و بر قدرت نهادی این سازمان‌ها واقف است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که از منظر مهم‌ترین قدرت پرشتاب اقتصادی در جهان، سازمان‌های بین‌المللی بستر مناسبی برای حل مسائل و همگرایی کشورها حول اهداف توسعه‌ای، اقتصادی و امنیتی هستند.

قدرت نوظهور دیگر در نظم کنونی جهانی روسیه است که به‌عنوان یک کنشگر تاریخی مؤثر در نظام بین‌الملل بایستی مورد توجه و بررسی قرار گیرد. این کشور مهم‌ترین میراث اتحادیه جماهیر شوروی یعنی قدرت نظامی و هسته‌ای را در اختیار دارد و با موقعیت ژئوپلیتیک خاص و نگرش سرزمینی به امنیت که با چالش‌های اروپا و اقدامات ناتو در اروپای شرقی کاملاً در تقابل است به‌عنوان یک کنشگر مهم مورد توجه است. روسیه به سبب ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های بنیادینی که دارد، همیشه قابل پیش‌بینی نیست. همچنین بنیان قدرت روسیه، اقتصادی و مالی و فناوری نیست، نیاز چندانی به همکاری با اروپا و آمریکا احساس نمی‌کند بلکه اهرم اصلی خود را در عرصه نظامی هسته‌ای و غیرهسته‌ای جست‌وجو می‌کند (سریع‌القلم، ۱۳۹۶).

اقدامات یک‌جانبه روسیه در حوزه امنیت و اقدام به انجام عملیات ویژه نظامی در اوکراین، حمله به گرجستان و تصرف کریمه و... نشان‌دهنده این موضوع است که این کشور در حوزه امنیت به همگرایی و حل‌وفصل موضوعات از طریق نهادهای بین‌المللی اعتقادی ندارد. از سوی دیگر برخی از حساسیت‌های امنیتی منطقه‌ای و کشورهای مختلف قابل دفاع و اجماع‌سازی در

سطح جهان و نهادهای بین‌المللی نمی‌باشد. برای مثال حضور نیروهای مسلح تندرو و جدایی طلب قدرت اجماع‌سازی و اقدام از طریق نهادهای بین‌المللی بیشتری نسبت به ادعاهای روسیه در ارتباط با مباحث امنیتی در اوکراین دارد. مهم‌ترین نقشی که می‌توان برای سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای متصور بود عبارت‌اند از: اعمال تحریم‌ها، استفاده از سازمان‌های غیردولتی برای پرداختن به مباحث حقوق بشری و بشردوستانه جنگ و ...

افول و تغییر در سیاست‌های حکمرانی جهانی آمریکا یکی دیگر از ویژگی‌های نظم جهانی است. امروز آمریکایی‌ها نمی‌توانند در هیچ عرصه‌ای ادعای نظم تک‌قطبی داشته باشند، نه در عرصه سیاسی-اقتصادی، نه در حوزه فرهنگی-اجتماعی و نه حتی در عرصه نظامی و امنیتی و حوزه علم و فناوری. در هیچ زمینه‌ای قدرت انحصاری در اختیار آمریکا نیست (قادری، ۱۴۰۲). رویکرد رؤسای جمهور آمریکا در ارتباط با مسئله امنیت در جهان از ویژگی‌های نظام بین‌الملل است. رویکرد اخیر واگذاری امنیت به کشورها و قدرت‌های منطقه‌ای از زمان اوباما مطرح شده است و در زمان ترامپ نیز ادامه یافته است. اوباما تقریباً نخستین رئیس‌جمهوری است که در دوران پس از جنگ دوم، اجتناب‌ناپذیری آمریکا را نمی‌پذیرد و ابراز می‌کند که کشورها باید سهم خود را ایفا کنند. در پاسخ به پرسشی درباره دلایل علاقه او به چندجانبه‌گرایی، اوباما می‌گوید: «یکی از ویژگی‌های مثبت چندجانبه‌گرایی و کار مشترک با کشورهای دیگر، تعدیل خودبزرگ‌بینی و بیش‌ازاندازه از خودراضی بودن ماست».

افول قدرت بزرگ در نظام بین‌الملل در حوزه‌های مختلف مانند اقتصاد، فرهنگ، امنیت می‌تواند با جایگزین دیگری همراه باشد. در حوزه رژیم‌سازی به معنای مجموعه‌ای از قواعد اصلی و فرعی قدرت نهادی سازمان‌های بین‌الملل در برابر یک‌جانبه‌گرایی تعریف شده لکن موفقیت آن در کنترل یک‌جانبه‌گرایی قدرت‌ها در حل مسائل بین‌المللی محل تردید است.

در اینجا لازم است به این مهم اشاره شود که افراد و بخش خصوصی در عصر ارتباطات و جهان‌گرایی در شناخت و پرداختن برخی از مسائل و حوزه‌ها به‌ویژه در عرصه علم و تولید صنعتی دارای اثربخشی قابل تأملی هستند و در برخی از امور با منافع دولت‌ها در تناقض می‌باشد؛ برای مثال جریان‌ات اجتماعی و فردی پیگیر موضوعات حقوق بشر و زیست‌محیطی بسیار صریح‌تر و منصفانه‌تر به مسائل پیرامون این موضوعات می‌پردازند که در بسیاری از موارد،

چه در سطح داخلی کشورها و چه در عرصه بین‌الملل، در چالش با بازیگران رسمی یعنی دولت‌ها می‌باشند. این جریان‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی فراگیر مواضع خود را با قدرت بیان می‌کنند و دولت‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند. سازمان‌های بین‌الملل در نظم پیش‌رو بایستی این جریان‌ها و افراد را به‌طور سیستمی از طریق نهادها و رژیم‌های بین‌الملل به رسمیت شناخته و حتی در برخی از موضوعات کرسی دولت‌ها را به آنها واگذار کنند.

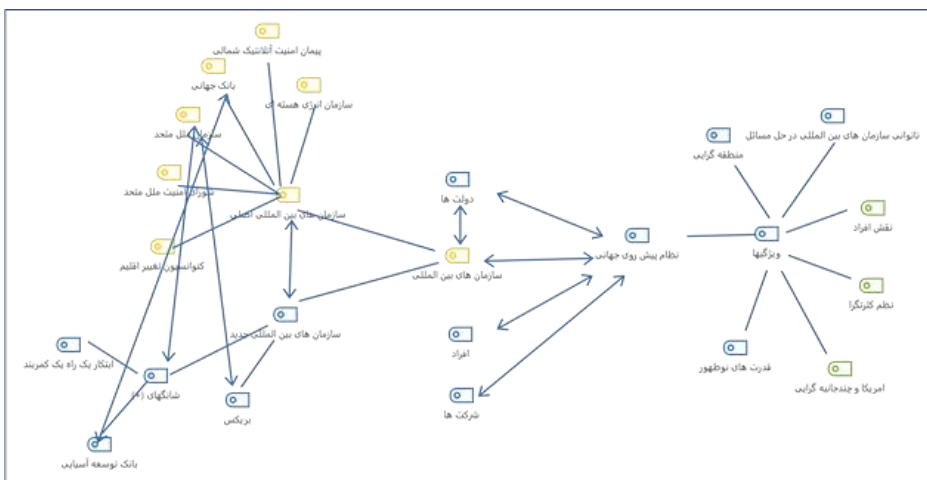
۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از لحاظ روش اجرا از نوع تحقیقات «توصیفی-تحلیلی» است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز بر مبنای تحلیل مضمون داده‌های کیفی انجام شده است. روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات تحقیق آمیزه‌ای از روش‌های کتابخانه‌ای، مشاهدات عینی و مطالعات میدانی و بهره‌گیری از نظرات خبرگان حوزه روابط بین‌الملل با تمرکز بر شناخت سازمان‌های بین‌المللی است.

در این تحقیق ابتدا روندهای بین‌المللی بر اساس مفروضات نولیبرالیسم تفسیر شده و مضامین اصلی تبیین‌کننده نظم پیش‌روی جهانی در بخش گذشته یعنی مبانی تحقیق برای شناخت بهتر محیط در جریان بین‌الملل بیان شده است. در این مسیر ناگزیر از شناخت وضعیت کنونی سازمان‌های اصلی بین‌المللی و سازمان‌های جدید و منطقه‌ای در وظایف کارکردی خواهیم بود و پس از مقایسه وضعیت فعلی این سازمان‌ها شرایط مطلوب عملکردی آنها را از طریق توصیف ویژگی‌ها و مؤلفه‌های عملکردی مطلوب بیان و توضیح خواهیم داد.

در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA از مجموع منابع تحقیق تعداد ۴۰۳ کد تحلیلی استخراج شد؛ پس از پایش و دسته‌بندی این مضامین ابتدا مهم‌ترین ویژگی‌های نظم پیش‌روی جهانی مانند منطقه‌گرایی، ظهور قدرت‌های نوظهور، نقش افراد و شبکه‌های ارتباطی، نقش بخش خصوصی و شرکت‌های فراملی، افزایش اقدامات یک‌جانبه‌گرایی در بین قدرت‌ها، خودیاری امنیتی و... که در بخش قبل به تفصیل توضیح داده شد، احصا گردید. سپس با بررسی نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در دسته‌بندی سازمان‌های سستی و جدید (با تمرکز بر دو سازمان شانگهای و بریکس) نقش این سازمان‌ها در نظم پیش‌روی جهانی حاصل گردید. نتایج

این تحقیق در دو جدول (۱) و (۲) ارائه شده است. نقشه ارتباطی مضامین حاصل از تحلیل در نرم‌افزار طبق شکل (۱) است.



شکل شماره ۱. نقشه تحلیل مفهومی پژوهش

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

با وجود اینکه کارکردها و نقش سازمان‌های بین‌المللی در دهه‌های اخیر گسترش یافته است اما ساختار جامعه بین‌الملل همچنان متشکل از دولت‌های مستقل است. این دولت‌ها به لحاظ اثرگذاری مستقیم در عرصه بین‌الملل به بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ تقسیم می‌شوند. نوع کنش این کشورهای مستقل الزاماً نظم بین‌الملل را ایجاد و تغییر خواهد داد. برای نمونه پس از جنگ جهانی دوم هیجان غالب بر فاشیسم و جو حاصل از اتحاد قدرت‌های بزرگ باعث گردید امنیت جهانی به چند کشور خاص واگذار گردد.

نظم پیش‌رو جهانی، چیرستی و چگونگی آن بر نقش سازمان‌های بین‌المللی و تغییر هویتی و ساختاری آنها تأثیرگذار خواهد بود. روند کلی نظام بین‌الملل عبور از یک‌جانبه‌گرایی و گرایش به چندجانبه‌گرایی را نوید می‌دهد. این مهم در سیاست‌های اعلامی و حتی اعمالی قدرت‌های بزرگ مشهود است. حضور مؤثر و بعضاً مستقل اتحادیه اروپا، چین و روسیه در حل بحران‌های سیاسی و روابط بین‌المللی و منطقه‌ای از شواهد

این مهم است. ضمن اینکه ایالات متحده آمریکا به لحاظ تاکتیکی و به لحاظ مسائل و مشکلات داخلی خود درصدد مشارکت قدرت‌های منطقه‌ای در اعمال قدرت و نگاهداشت نظم مبتنی بر نگرش لیبرال دموکراتیک در سطح جهان است. این مسئله با وجود تفاوت‌های ذاتی در راهبرد و تاکتیک اجرا در سیاست‌های خارجی دولت جمهوری خواهان و دموکرات‌ها و به‌طور خاص دولت ترامپ و بایدن مشهود بوده است.

نگاه جهان‌گرایی نزدیک‌ترین رویکرد در عرصه چندجانبه‌گرایی در نظم پیش‌روی جهانی خواهد بود. این مهم ناشی از ظهور قدرت‌های جدید در عرصه بین‌الملل و تمایل قدرت بزرگ جهانی یعنی ایالات متحده آمریکا به شراکت با قدرت‌های جدید در عرصه مدیریت هزینه و اقدام در نظم جهانی است. سازمان‌های بین‌المللی در نظم پیش‌رو محل اجماع و تصمیم‌گیری جهانی و مشارکت راهبردی دولت‌ها در مدیریت کلان جهانی و حل مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی خواهند بود.

سه مفهوم تحولات استراتژیک و سیاسی، تحولات تکنولوژیک و اجتماعی و تحولات بوروکراتیک و حقوقی توضیح‌دهنده کنش و واکنش‌های سازمان‌های بین‌المللی هستند. این چارچوب مفهومی بر این گزاره استوار است که سازمان‌های بین‌المللی را نمی‌توان جدا از متن به‌هم‌پیوسته سیاست بین‌الملل و اجتماع بین‌الملل و حقوق بین‌الملل درک کرد. سازمان‌های بین‌المللی محصول منازعات قدرت و فعل و انفعالات سیاسی هستند (سجادپور، ۱۳۹۲).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظم جدید جهانی، ظهور قدرت‌ها و منطقه‌گرایی است. بنابراین این دو مؤلفه در کنار تمایل قدرت برتر در شراکت با کشورهای مهم دنیا در حل مسائل مختلف الزاماً با هدف تقسیم هزینه‌های مدیریت جهانی باعث گردیده که حداقل در دو دهه گذشته سازمان‌های منطقه‌ای که در کارکرد و هدف‌گذاری با سازمان‌های اصلی بین‌المللی متفاوت هستند، ظهور نمایند؛ لذا نتایج این پژوهش از منظر نمونه تحقیق به دو دسته سازمان بین‌المللی شامل سازمان‌های سنتی و سازمان‌های جدید تقسیم شده است.

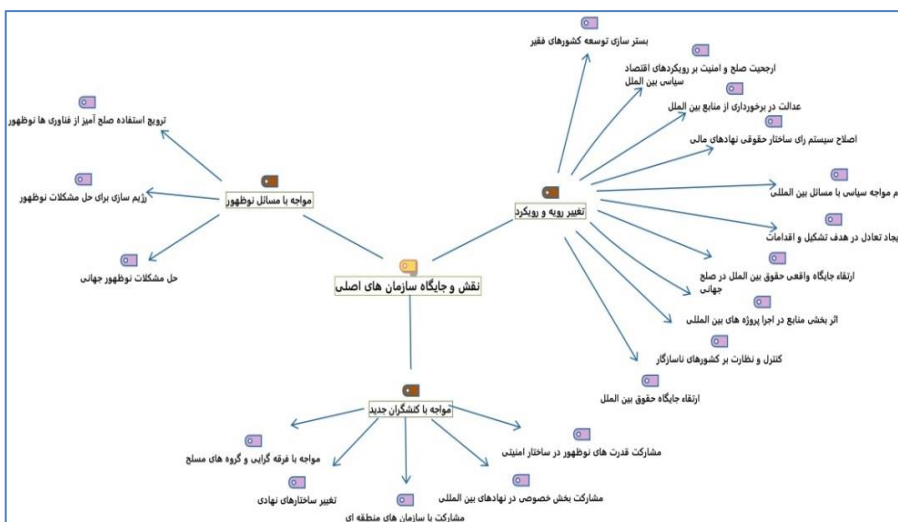
انواع مختلفی از دسته‌بندی سازمان‌های بین‌المللی انجام شده که رایج‌ترین آن شامل سازمان‌های بین‌المللی دولتی، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و سازمان‌های فراملی است اما در این مقاله سازمان‌های بین‌المللی را به سازمان‌های اصلی و جدید تقسیم‌بندی کرده‌ایم. هسته اصلی سازمان‌های بین‌المللی دولتی پس از جنگ جهانی دوم و با تأثیر از رقابت در بین قدرت‌های نظامی که غالباً از جنبه نظامی و تسلیحاتی بوده و امنیت بشر را دستخوش تلاطمات کرده، شکل گرفته‌اند. این سازمان‌ها در حال حاضر محل افزایش تقابل بین قدرت‌های در حال ظهور و قدرت‌های ایجادکننده این سازمان‌ها می‌باشند.

بر اساس کدگذاری انجام‌شده درخصوص سازمان‌های اصلی بین‌الملل با تمرکز بر سازمان ملل متحد، شورای امنیت، بانک جهانی، آژانس انرژی اتمی و کنفرانس تغییر آب و هوا (توافقنامه پاریس)، تعداد ۴۹ کد از مجموع منابع بررسی‌شده در این تحقیق حاصل گردید. پس از تحلیل و دسته‌بندی، مضامین اصلی به شرح جدول ذیل احصا گردید: (نکته: غالب مضامین شناسایی‌شده در جدول (۱) ناشی از تغییر رویه در سازمان‌های بین‌المللی اصلی برای مواجهه با محیط نظم جدید بین‌الملل و پرداختن به مسائل نوظهور است).

جدول شماره ۱. نقش و جایگاه سازمان‌های اصلی در نظم پیش‌روی جهانی

مضامین پایه	مضامین فراگیر
ایجاد تعادل در هدف تشکیل و اقدامات	تغییر رویه و رویکرد
عدم مواجهه سیاسی با مسائل بین‌المللی	
اثربخشی منابع در اجرا پروژه‌های بین‌المللی	
بسترسازی توسعه کشورهای فقیر	
ارتقا جایگاه حقوق بین‌الملل	
ارجحیت صلح و امنیت بر رویکردهای اقتصاد سیاسی بین‌الملل	
عدالت در برخورداری از منابع بین‌الملل	
اصلاح سیستم رأی ساختار حقوقی نهادهای مالی	
ارتقا جایگاه واقعی حقوق بین‌الملل در صلح جهانی	
کنترل و نظارت بر کشورهای ناسازگار	
تغییر ساختارهای نهادی	مواجهه با کنشگران جدید
مشارکت قدرت‌های نوظهور در ساختار امنیتی	
مشارکت بخش خصوصی در نهادهای بین‌المللی	
مشارکت با سازمان‌های منطقه‌ای	

مواجهه با مسائل نوظهور	مواجهه با فرقه‌گرایی و گروه‌های مسلح
	حل مشکلات نوظهور جهانی
	رژیم‌سازی برای حل مشکلات نوظهور
	ترویج استفاده صلح‌آمیز از فناوری‌ها نوظهور



شکل شماره ۲. نقش و جایگاه سازمان‌های اصلی بین‌المللی در نظم پیش‌روی جهانی

خلق و پیدایش سازمان‌های جدید بین‌المللی و یا دگرگونی در سازمان‌های پیشین بین‌المللی در دوران پسا جنگ سرد، الزاماً حضور همه‌ی قدرت‌های بزرگ را دربرنمی‌گیرد و قدرت‌های بزرگی مانند چین و روسیه در آنها نقش دارند. دو نمونه‌ی پیمان شانگهای و گروه موسوم به بریکس در این خصوص قابل ذکر هستند. اما آنچه که از رفتار چین و روسیه به‌ویژه در این دو نهاد تازه تأسیس بعد از جنگ می‌توان استنباط کرد این است که آنها در عین افزایش فضای سیاسی و استراتژیک خود از طریق افزایش نهادهای چندجانبه جدید، سعی دارند این نهادها را در حالت تقابلی با دیگر نهادها تعریف نکنند (سجادپور، ۱۳۹۱).

یکی از ویژگی‌های نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، منطقه‌گرایی و حل‌وفصل مسائل و مشکلات منطقه‌ای به وسیله اجماع کشورها بر اساس

منافع مشترک است. سازمان‌های بین‌الملل و قدرت فائقه نظام تک‌قطبی بین‌المللی در سه دهه اخیر عملکرد مناسبی برای پرداختن به مسائل منطقه‌ای از خود نشان نداده است و مسائل فی‌مابین کشورها از اختلافات مرزی، درگیری‌های قومیتی، جدایی‌طلبی از سرزمین مادری، تروریسم و... از جمله مسائلی هستند که با وجود قدرت گرفتن سازمان‌های بین‌المللی پس از جنگ سرد و همچنین قدرت اقتصادی و نظامی آمریکا همچنان پابرجا بوده و هر روز انسان‌های بی‌شماری به دلیل جنگ و یا فقر جان خود را از دست می‌دهند.

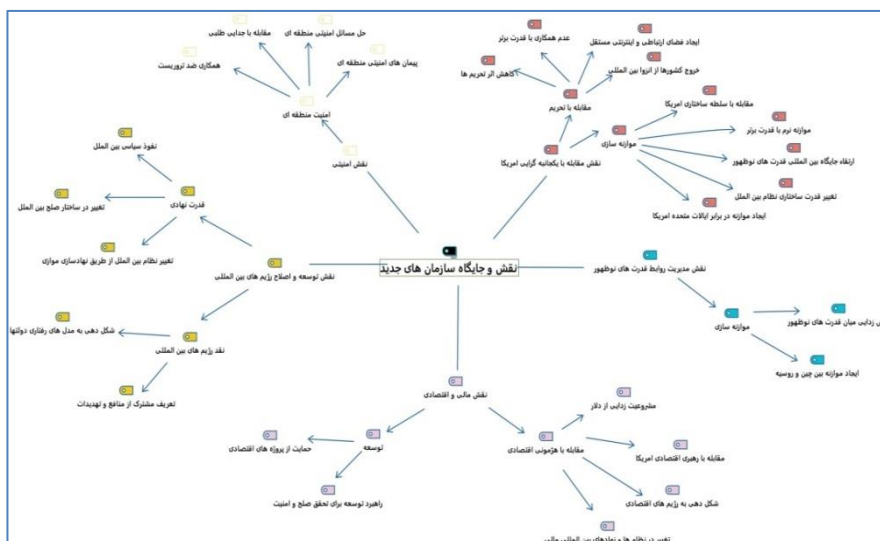
با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کشورهای بلوک شرق وابسته به این اتحادیه درصدد جبران خلأ قدرت در موازنه‌سازی بین‌المللی برآمدند. مهم‌ترین نوع مواجهه با شرایط جدید ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای و موضوعی توسط قدرت‌های نوظهور بوده است که با اهداف مشخص و بر اساس مسئله‌ای خاص تشکیل شده‌اند. مهم‌ترین ویژگی این سازمان‌ها تشکیل و یا تقویت آنها پس از جنگ سرد با محوریت یک یا چند قدرت نوظهور و استقرار اکثریت آنها در کشورهای عضو سنتی بلوک شرق و غیرمتعهد است.

مهم‌ترین سازمان‌های جدید که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرند، سازمان همکاری شانگهای و بریکس است. این دو سازمان با وجود اینکه در ذیل منشور سازمان ملل متحد تشکیل شده و در اساسنامه و اسناد تشکیل خود تعهد سازمان و اعضا را به رژیم‌های حقوقی منبعث از منشور اعلام نموده‌اند اما در فضای تعاملی و هدف‌گذاری این سازمان نوعی مواجهه نرم با نقش سازمان‌های بین‌المللی سنتی در تحقق جهانی‌سازی مشاهده می‌شود.

بر اساس کدگذاری انجام‌شده در خصوص سازمان‌های جدید بین‌الملل با تمرکز بر بریکس و همکاری‌های شانگهای، تعداد ۱۰۶ کد از مجموع منابع بررسی‌شده در این تحقیق حاصل گردید که پس از تحلیل و دسته‌بندی مضامین اصلی به شرح جدول (۲) احصا گردید.

جدول شماره ۲. نقش و جایگاه سازمان‌های جدید در نظم پیش‌روی جهانی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
تعریف مشترک از منافع و تهدیدات	نقد رژیم‌های بین‌المللی	نقش توسعه و اصلاح رژیم‌های بین‌المللی
شکل‌دهی به مدل‌های رفتاری دولت‌ها		
تغییر نظام بین‌الملل از طریق نهادسازی موازی	قدرت نهادی	
تغییر در ساختار صلح بین‌الملل		
نفوذ سیاسی بین‌الملل		
ایجاد موازنه بین چین و روسیه	موازنه‌سازی	نقش مدیریت روابط قدرت‌های نوظهور
تنش‌زدایی میان قدرت‌های نوظهور		
راهبرد توسعه برای تحقق صلح و امنیت	توسعه	نقش مالی و اقتصادی
حمایت از پروژه‌های اقتصادی		
شکل‌دهی به رژیم‌های اقتصادی	مقابله با هژمونی اقتصادی	
مقابله با رهبری اقتصادی آمریکا		
مشروعیت‌زدایی از دلار		
تغییر در نظام‌ها و نهادهای بین‌المللی مالی		
همکاری ضد تروریست	امنیت منطقه‌ای	نقش امنیتی
مقابله با جدایی‌طلبی		
حل مسائل امنیتی منطقه‌ای		
پیمان‌های امنیتی منطقه‌ای		
ایجاد موازنه در برابر ایالات متحده آمریکا	موازنه‌سازی	نقش مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا
تغییر قدرت ساختاری نظام بین‌الملل		
ارتقا جایگاه بین‌المللی قدرت‌های نوظهور		
موازنه نرم با قدرت برتر		
مقابله با سلطه ساختاری آمریکا		
کاهش اثر تحریم‌ها	مقابله با تحریم	
خروج کشورها از انزوا بین‌المللی		
ایجاد فضای ارتباطی و اینترنتی مستقل		
عدم همکاری با قدرت برتر		



شکل شماره ۳. نقش و جایگاه سازمان‌های جدید بین‌المللی در نظم پیش‌روی جهانی

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

سازمان‌های بین‌الملل در برابر نظام پیش‌رو جهانی یک متغیر و عامل اثرگذار مستقیم است. سازمان‌ها و نهادها از طریق قدرت نهادی و ایجاد رژیم‌های مختلف حقوقی و اجتماعی و همچنین قدرت دسترسی به اطلاعات و بهره‌گیری از کارشناسان خبره حوزه تخصصی می‌توانند به‌عنوان یک کنشگر قدرتمند در نظام بین‌الملل نقش همسازی و همگرایی ایفا کنند. البته قدرت سازمان‌ها و نهادهای بین‌الملل از نوع قدرت نرم بوده و قدرت نهادی یک مصداق مناسب برای تعریف و توضیح قدرت در سازمان‌های بین‌المللی است.

از سوی دیگر سازمان‌های بین‌الملل به ارتباط با دولت‌ها و سایر کنشگران بین‌المللی متغیر وابسته و متأثر از نوع مواجهه و نگرش این کنشگران نسبت به نقش سازمان‌های بین‌المللی هستند؛ هرچقدر کنشگران بین‌المللی بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های نهادگرایی تأکید داشته باشند و مسائل مختلف بین‌المللی را از طریق رژیم‌ها و همگرایی حل‌وفصل نمایند حرکت به سمت تقویت سازمان‌های بین‌المللی و اعمال نقش‌های اثرگذار در مسائل از طریق این سازمان‌ها بیشتر خواهد شد. به بیانی دیگر، سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان یک

کنشگر مستقل بر نظام پیش‌روی جهانی تأثیر دارند و از سوی دیگر از دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین کنشگر تأثیر می‌پذیرند.

ایفای نقش نهادهای بین‌المللی با وجود محدودیت‌هایی که برای دولت‌ها در عرصه بین‌الملل ایجاد می‌کنند می‌تواند رفتار دولت‌ها یا بازیگران دیگر را هدایت و تنظیم کنند. یکی از کارکردهای مثبت این نهادها، کاهش پیامدها و هزینه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر است. علاوه‌براین باعث می‌شوند فضا برای حل مشکلات دسته‌جمعی باز شود.

ابعاد مختلف نقش‌آفرینی سازمان‌های بین‌المللی که انتظار می‌رود در نظم کنونی جهان اتفاق بیافتد، بیان گردید لکن جایگاه مورد انتظار این نهادها مبتنی بر شرایط آرایش متقابل کنشگرهای بین‌المللی نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌های بین‌المللی است. اگر وجه چندجانبه‌گرایی تقویت گردد جایگاه سازمان‌های بین‌المللی تقویت خواهد شد، در غیر این صورت رژیم‌ها و نهادها در حاشیه وقایع جهان قرار خواهند گرفت.

سازمان‌های بین‌المللی سنتی نیازمند تغییر رویه و رویکرد به مسائل جهانی هستند. همچنین سازمان‌های جدید بایستی با درک شرایط و وابستگی‌های متقابل نظم جهانی و کنشگران در حال ظهور نقش اصلی خود یعنی حل و فصل مسائل بین‌المللی را ایفا نمایند. اگر در گذشته و بعد از جنگ‌های جهانی امنیت مسئله اول جهان برای سوق به نهادها و رژیم‌های حقوقی بود، در حال حاضر علاوه‌بر امنیت که وضعیت مطلوبی را طی چند دهه اخیر تجربه نکرده است، مسائل جدید دیگری مانند مشکلات زیست‌محیطی، فناوری‌های جدید مؤثر در عرصه روابط بین‌الملل و... نیز به وجود آمده که نیازمند ایفا نقش جدی سازمان‌های بین‌المللی است.

در این پژوهش با تأمل بر وضعیت سازمان‌های بین‌المللی سنتی و سازمان‌های جدید (شانگهای و بریکس) و ارائه ویژگی‌های نظم پیش‌روی جهانی، ارتباط این دو مقوله را با یکدیگر بررسی و مهم‌ترین نقش‌های نهادهای بین‌المللی را به‌صورت موجز در قالب جدول (۱)، (۲) و شکل‌های (۱)، (۲)، (۳) بیان گردید.

در پایان پیشنهاد می‌گردد هر یک از نقش‌های بیان‌شده در این مقاله به‌صورت خاص و در ارتباط با شرایط جاری جهانی بررسی گردد. همانطور که تغییر در نظم جهانی یک جریان پویا و دینامیک است (و نه ایستا) موضوع این تحقیق نیز همان‌طور که در پیشینه بیان گردید بحثی در حال جریان است که به مقطع و زمان بررسی موضوع پژوهش وابسته است.

منابع

الف - فارسی

- افتخار جهرمی، گودرز؛ حاجیانی، علی (۱۳۹۶). «عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در بوته نقد و ترازوی نظارت عینی»، *مجله حقوق بین‌المللی*، ۳۴(۵۶)، ۳۷-۶۰.
- بیگدلی، محمدرضا؛ دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ و همکاران (۱۴۰۲). «مقایسه رویکرد سه نسل پارادایم واقع‌گرایی نسبت به نظام بین‌الملل»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۳(۱)، ۱۶۵-۲۰۰.
- پورقربان، محمد؛ شمسنی، حسن؛ کیان، محمد (۱۴۰۱). «تأثیرات رقابت آمریکا و چین در تحولات نظام بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست جهانی*، ۱۱(۲)، ۱۹۳-۱۷۵.
- حسنوند، مظفر؛ اسفندیاری، مهدی (۱۳۹۷). «نظم نوین جهانی و تحول در منطقه‌گرایی جدید»، *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۰(۴)، ۳۹-۶۹.
- ذراتی، ماشاله (۱۴۰۲). «واکاوی پیامدهای امنیتی و اقتصادی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای»، *فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار*، ۸(۲۷)، ۱۲۶-۱۰۹.
- روانستان، آرزو؛ شفیعی، نوذر؛ دهشیار، حسین؛ و حاجی‌مین، رحمت (۱۴۰۱). «کارکرد سازمان ملل متحد در حل‌وفصل بحران افغانستان»، *فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۴(۳)، ۱۰۳-۷۷.
- رئیسی‌نژاد، آرش؛ برنجی، نسیم (۱۴۰۱). «مدل منطقه‌گرایی سازمان همکاری شانگهای»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱۵(۱)، ۱۲۶-۱۰۱.
- زمانی، سید قاسم؛ آجلی لاهیجی، مهشید (۱۴۰۰). «چالش مشروعیت در ساختار و عملکرد سازمان بین‌المللی: مطالعه موردی بانک جهانی»، *فصلنامه حقوق عمومی*، ۲۳(۷۱)، ۹-۳۳.
- سجادی‌پور، سید کاظم (۱۳۹۲). «قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های بین‌المللی؛ ماهیت تحول دوران پسا جنگ سرد»، *فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی*، ۱(۲)، ۲۳-۷.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۵). «نظام بین‌الملل و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۲(۱)، ۱۴۰-۱۰۱.

- سلطان قیس، فرید؛ ظاهری، علیرضا؛ قاسمی، مجتبی (۱۴۰۱). «مناسبات حقوق بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل در نهادهای بین‌المللی پولی و مالی»، *ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۸)، ۱۰۲۶-۱۰۴۲.
- سنایی، مهدی؛ ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۹۲). «سازمان قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور (بریکس): اهداف، توانمندی‌ها و جایگاه آن در نظام بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهانی*، ۳(۱)، ۱-۴۰.
- شفیع، نوذر؛ مرادی، فرزانه (۱۳۹۱). «همکاری و مشارکت میان سازمان‌های منطقه‌ای و سازمان ملل متحد به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۲(۶)، ۶۲-۸۰.
- شیرخانی، محمدعلی؛ بایزیدی، رحیم (۱۳۹۳). «موازنه نرم: بریکس و چالش برتری آمریکا»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۹(۳)، ۱۷۶-۱۴۵.
- ظریف، محمدجواد؛ سجادی‌پور، سید محمدکاظم (۱۳۹۳). *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: نشر میزان.
- ظریف، محمدجواد؛ سجادی‌پور، سید محمدکاظم؛ مولایی، عبدالله (۱۳۹۶). *دوران گذار روابط بین‌الملل در جهان پس‌اگرایی*، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- عاکفی قاضیانی، محمد؛ عاکفی قاضیانی، موسی (۱۳۹۹). «عملکرد نظام امنیت جمعی سازمان ملل متحد: توسط به زور با تجویز شورای امنیت»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۷(۱)، ۱۱۵-۱۳۹.
- فیل‌سرای، مهدی؛ میرغمگین، صدیقه (۱۳۹۵). «نقش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در رشد و توسعه اقتصادی کشورها»، *فصلنامه مجله اقتصادی*، ۱۶(۳و۴)، ۱۹-۳۶.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴). *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: نشر میزان.
- قوام، سید عبدالعلی؛ محسنی، سمیران (۱۳۹۳). «رویکرد رقیب و تجزیه و تحلیل نهادها و سازمان‌های بین‌المللی»، *فصلنامه سازمان‌های بین‌الملل*، ۲(۵)، ۵۵-۳۶.
- کریمی، حمیدرضا؛ موسوی شفیعی، سید مسعود؛ اسلامی، محسن (۱۳۹۸). «نهادسازی موازی گامی در جهت گذار صلح‌آمیز نظم بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۲(۲)، ۳۶۷-۳۹۴.

- محب‌پور، اسماعیل؛ شفیعی، نوذر؛ ببری، سکینه (۱۴۰۲). «ظرفیت اقتصادی سازمان همکاری شانگهای برای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱۳(۱)، ۳۶۷-۳۴۱.
- منصوری، میلاد؛ ترابی، محمد؛ حیدرپور، ماشاله (۱۴۰۱). «تحلیل راهبرد توسعه اقتصادی قدرت‌های نوظهور اقتصادی گروه بریکس، چشم‌انداز آینده»، *سیاست جهانی*، ۱۱(۱)، ۱۲۷-۱۰۷.

ب- انگلیسی

- Savador Santino F.Regilme Jr (2019). "The Decline of American Power and Donald Trump: Reflections on Human Rights, Neoliberalism and the World Order", *History and International STUDIES, Institute for History*, Leiden University, pp.157-166.
- Macdonald, Terry; macdonald, Kate (2020). "Towards a pluralist word order: creative agency and legitimacy in global institutions", *EUROPEAN Jurnal of International Relations*, 26, pp. 27-1.
- Lenz, Tobias (2017). "The Rising Authority of International Organisations", *GIGA German Institute of Global and Area Studies*.